



توانمندسازی اقتصادی زنان

عماد خلیلی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه نیشابور

Emadkh185@gmail.com

چکیده

این پژوهش به توانمندسازی اقتصادی زنان پرداخته است. در دنیای امروز بازشناسی رو به رشدی در باب توانمندی سازی اقتصادی زنان به وجود آمده و این مسئله به جوامع بشری کمک کرده تا هم حقوق زنان را درک کرده و هم در میزان سلامتی، رفاه، آسایش، رشد اقتصادی و کاهش فقر تغییراتی مثبت و رو به رشد وجود داشته باشد. در پنج سال گذشته سازمان های زیادی وجود داشته اند که به مسئله حقوق زنان و واقعیت رو به رشد توانمند سازی اقتصادی زنان پرداخته اند. این سازمانها به این نتیجه رسیده اند که توانمندسازی اقتصادی زنان مسئله ای است که سود آن هم برای زنان است و هم برای جامعه. توانمند سازی اقتصادی زنان این امکان را به زنان می دهد که علاوه بر رسیدن به آرامش و رفاه و حق و حقوق خویش، در کاهش فقر، رشد اقتصادی، تولید و افزایش بهره وری موثر باشند. در این پژوهش به مفهوم و نحوه نظارت بر توانمندسازی اقتصادی زنان پرداخته است و همچنین در این پژوهش سعی بر این بوده که مروری بر روی مسئله توانمندسازی اقتصادی زنان انجام شود.

واژگان کلیدی: فقر، توانمند سازی زنان، توانمند سازی اقتصادی، ایران.



مقدمه

یک زن هنگامی از نظر اقتصادی توانمند است که هم توانایی پیشرفت و موفقیت مالی داشته و هم اینکه قدرت تصمیم گیری اقتصادی داشته باشد. به منظور پیشرفت و موفقیت مالی، زنان نیاز به مهارت‌ها و منابعی دارند تا بتوانند در بازاریابی با سایر افراد و ارگانهای اقتصادی به طور برابر رقابت کنند. همچنین به منظور داشتن قدرت و توانایی سود بردن از فعالیت های اقتصادی، زنان نیاز دارند که قدرت تصمیم گیری داشته و منابع مالی و سود مالی را کنترل نمایند.

توانمندسازی اقتصادی از دو عامل مرتبط با هم تشکیل شده است که این دو عامل ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و این دو عامل عبارتند از:

پیشرفت اقتصادی

قدرت و عاملی

هر دو عامل به یکدیگر وابسته هستند و هر دو عامل برای داشتن زندگی بهتر و آسودگی بیشتر برای زنان و خانواده ها لازم هستند. سود و موفقیت اقتصادی (پیشرفت اقتصادی) باعث ارتقاء قدرت و عاملیت زنان می شود. هنگامی که یک زن قدرت داشته باشد یعنی توانایی کنترل و تقسیم کردن منابع را داشته باشد و هم چنین توانایی تصمیم گیری داشته باشد بهتر می تواند از نظر اقتصادی پیشرفت نماید.

نظارت بر توانمند سازی اقتصادی زنان

به منظور نیل به توانمندسازی اقتصادی زنان، سازمانها باید بر روی عوامل نهفته در توانمندسازی اقتصادی زنان نظارت داشته باشند که این عوامل عبارتند از منابع فردی و اجتماعی و قوانین و عاملیت. حال به توضیح پیرامون هر یک از این دو عامل می پردازیم. منابع در حقیقت ساختارهایی هستند که از موفقیت اقتصادی زنان ممانعت می کنند. منابع به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می شوند. این منابع بیشتر از عوامل مالی و پولی موجود در محیط و مکان هستند که شامل موارد زیر می شوند:

سرمایه انسانی به عنوان مثال آموزش، تحصیلات، مهارت آموزی

سرمایه مالی همچون پس انداز و سرمایه گذاری

سرمایه اجتماعی مانند ساختارهای موجود در جامعه و سرمایه دارها

سرمایه طبیعی به عنوان مثال منابع طبیعی یا ماشینی شدن اغلب مشاغل

قوانین مجموعه اصول هستند یا مجموعه ای از شبکه های اجتماعی و سازمانی که فعالیت ها را سازماندهی کرده و بر ارتباط بین افراد و منابع اجتماعی و اقتصادی تمرکز می نمایند. قوانین بر چگونگی توزیع منبع تاثیر می گذارد.

قوانین شامل قواعد جنسیت محور می شود که مشخص می کند برای زنان مناسب است که در مکانهای عمومی باشند یا خیر. همچنین در مکانهای عمومی مدیریت مالی داشته باشند یا شغل خاصی را اختیار کرده باشند.



مؤسسات نیز شامل ساختارهای سیاسی و قانونی، شبکه های اقتصادی، ساختارهای بازاریابی، ازدواج، وارث بودن و آموزش و پرورش می شود.

تحقیقاتی که در زمینه توانمندسازی اقتصادی به وسیله تلاش به منظور غنی سازی منابع در دسترس یا بازخوانی قوانین و عاملیت انجام شده است. آنچه که در این تحقیقات اهمیت داشته پیشرفت اقتصادی زنان و ساختارهای قدرت زنان بوده است. این راههای متفاوت در باب توانمندسازی اقتصادی زنان در شکل ۱ نشان داده شده است. سواد یا برنامه های مهارت‌های اولیه زندگی منابع شخصی زنان را افزایش می دهد تا قدرت آنان نیز افزایش یابد. این دو عامل توانمندسازی اقتصادی زنان را افزایش می دهند. علاوه بر این توانمندسازی اقتصادی زنان در چند سطح می تواند نظارت شود. به عنوان مثال این پروژه ها ممکن است در سطح فردی، در سطح زنان خانه دار، در سطح سازمانی یا در سطح اجتماع انجام شود.

عواملی خاصی که پیشرفت توانمندسازی اقتصادی زنان را نشان می دهند ممکن است در بافتهای اجتماعی، تفاوت‌های متفاوت و فاحشی با یکدیگر داشته باشند. همزمان با تغییر کشورها و مجامع این عوامل نیز ممکن است تغییر یابد. شکل ۱ نشان می دهد که چگونه چند پروژه درون یک چارچوب جای می گیرند.

هیچ برنامه مشخصی نمی تواند همه عوامل موثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان را نظارت و سازمان دهی نماید. اگر توانمندسازی اقتصادی زنان به عنوان یک معضل پیچیده به نظر می رسد، این برنامه ها باید سهم و میزان تاثیرگذاری خویش را مشخص نمایند. باید بر روی تلاش‌هایی تاکید شود که می توانند بیشترین تمایزها و بیشترین تغییرات محیطی را بسازند و همین گونه بر عملکرد سازمانها نیز نظارت شود.

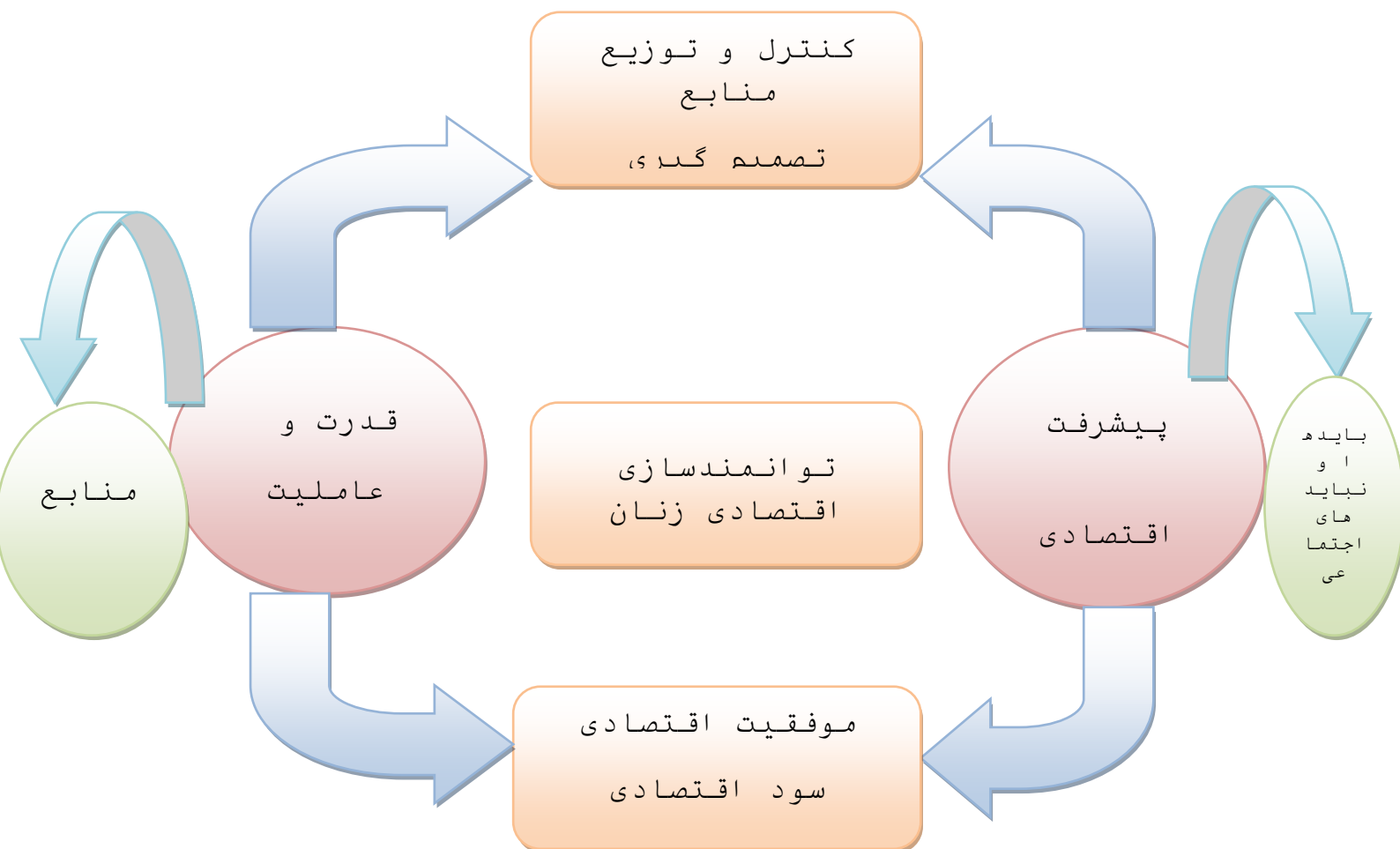
لازم است که تمامی برنامه ها سهمی مهم و قدرتمند را در چارچوب توانمندسازی اقتصادی زنان اجرا کنند. درک فرصتهای عمیق تر و چالشهای اساسی تر که زنان در بافتهای خاص با آن روبرو هستند مهم است به دلیل اینکه:

به تشخیص بهترین مکان برای سرمایه گذاری برای نیل به هدف نهایی توانمندسازی اقتصادی زنان کمک می نمایند

طراحی بهترین شیوه برای دخول در امر توانمندسازی اقتصادی زنان

تعریف و شناسایی فضاهای خارج از تمرکز توانمندسازی زنان که کنترل آنها بر روی موفقیت توانمندسازی اقتصادی زنان تاثیر می گذراند.

تعیین تغییراتی که توانمندسازی اقتصادی زنان خواهد داشت یا نخواهد داشت و جایی که تغییر در مسئله توانمندسازی زنان لازم است برای موفقیت در این امر.



شکل ۱: توانمندسازی اقتصادی زنان، منابع، قوانین و موسسات خصوصی

مثال برای پروژه منابع:

سواد آموزی زنان که می تواند بر روی توانمندشدن زنان از نظر اقتصادی و همچنین بر روی قدرت و عاملیت زنان در سطح جامعه تاثیر گذار باشد.

این پروژه منابع فردی ای را تامین می کند که سطح علمی زنان را افزایش می دهد.

باید ها و نبایدهای اجتماعی که این بایدها و نبایدها به عنوان نرمها و ساختارهای اجتماعی وجود دارند که تعیین می کنند که زنان بایستی در برخی فعالیت ها شرکت کنند یا در برخی فعالیت ها شرکت نکنند که این عوامل محدود کننده یا این بایدها و نبایدهای غلط در سطح جامعه بر روی مسئله توانمندسازی اقتصادی زنان تاثیرگذار است.



کشمکش های اجتماعی قوانین و الگوهای اجتماعی که از افزایش سطح علمی زنان ممانعت می نمایند معرفی می کنند.

قوانین و نرمهای اقتصادی که همچون مورد بالا باورهای غلط در سطح جامعه هستند که زنان بایستی در انجام برخی امور در سطح جامعه دخالت نمایند و در انجام برخی امور در سطح جامعه نباید دخالت کنند که این قوانین و نرمهای محدود کننده در سطح جامعه امر پیشرفت توانمندسازی اقتصادی زنان را تحت الشعاع خویش قرار می دهد.

رویکردهای بازاریابی و عاملیت زنان بازاریابی را تغییر می دهند و امکان افزایش پیشرفت زنان را مقدور می سازند.

این رویکردهای بایستی فقط فروش و میزان بالای آن در سطح جامعه را هدف قرار دهند و به جنسیت عرضه کننده محصول توجه نمایند و در حقیقت رویکردهای عرضه محوری باشند که مهمترین هدف آنان عرضه محصول به بهترین صورت در سطح جامعه باشد که این امکان نیز برای زنان پیش آید که این رویکردها بتواند زنان را در سطح جامعه به عنوان عرضه کننده بپذیرد که این مسئله به توانمندسازی اقتصادی زنان در سطح جامعه کمک شایانی می کند.

محدودیتهای مالی منابع به زنان اجازه می دهند که پیشرفت اقتصادی داشته باشند.

سنجش میزان توانمندسازی اقتصادی زنان

همان گونه که در شکل ۱ نشان دادیم، توانمندسازی اقتصادی زنان ابعادی زیادی دارد و تحت ملاحظات خاص در بافت جامعه اهمیت پیدا می کند. طرح های تحقیقاتی در زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورمان انجام شده اس که همگی توانمندسازی اقتصادی زنان را از دیدگاه های مختلف بررسی می کنند. این دیدگاه ها یا شاید بهتر باشد بگوییم شاخص ها برای یک محیط یا یک برنامه مفید هستند و برای بقیه محیط ها کاربرد ندارند. هیچ مجموعه جهانی از شاخص ها نیست که در هر بافت یا هر بخشی برای هر طرح تحقیقاتی ثابت باشد و این شاخص ها، معیارها یا دیدگاه ها از جامعه ای به جامعه دیگر تفاوت دارند.

معیارها و شاخص ها باید با سنجش میزان توانمندسازی اقتصادی زنان هم سو باشد و همچنین با میزانی که یک برنامه برای نظارت و کنترل انتخاب می نماید نیز همسو باشد. به منظور ارزیابی شاخص ها و متغیرهای یک طرح تحقیقاتی باید فقط زمانی که مقدار آن متغیر است اندازه گیری شود نه هنگامی که میزان آن ثابت است. با اینکه اندازه گیری میزان توانمندسازی اقتصادی زنان نیازمند شاخص های پیشرفت اقتصادی زنان و قدرت زنان است، بسیاری از پژوهش ها، در هر دو حیطة تغییر را نشان می دهند و این یعنی اینکه در بعضی بافتها ما میزان تغییر در دو عامل را داریم نه در یک عامل. این بدان معنی است که پروژه های فردی بر روی اندازه گیری میزان یک عامل بیشتر تمرکز می کنند تا چند عامل و حتی دو عامل را با یکدیگر مورد بررسی قرار نمی دهند.

تحقیقاتی که در زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورمان انجام شده اند، هر کدام چارچوبی برای اندازه گیری توانمندسازی اقتصادی زنان معرفی می نمایند که از شاخص های معمولی بهره می برد تا سطوح متفاوت نتایج حاصله را نشان دهد. این سطوح متفاوت از نتایج خروجی تحقیق درآمدهای زودبازده تا تاثیر شاخص های متوسط و طولانی مدت کشیده می شود. تشخیص اینکه سطحی که اندازه گیری می شود به اندازه واقعی منابع تحقیق نزدیک و محتمل است، تاثیر و چهارچوب زمانی خاصی دارد.



همان گونه که این چارچوب ها نشان می دهد قدرت و پیشرفت اقتصادی به طور مجزا قابل اندازه گیری هستند. هر دوی روش های کمی و کیفی برای اندازه گیری و سنجش میزان توانمندسازی اقتصادی زنان مناسب هستند و وابسته به نوع اطلاعاتی هستند که لازم بوده و انتخاب آنها محتمل است.

چارچوب ها به تمرکز بر روی شاخص های نشانگر در برنامه ارزیابی و توسعه تاکید می کند. تعیین میزان فرایند، شاخص های خروجی و درآمد همچون شرکت زنان و زنانی که در تحقیق شرکت کرده اند، به یک اندازه مهم است. تمامی تحقیقات باید خروجی ها و درآمدهای فرایند اساسی را اندازه گیری نمایند. این شاخص ها می توانند ارزیابی اساسی به یک تحقیق را مهیا کنند. آنها تاثیر بلند مدت یا کوتاه مدت شاخص ها را اندازه گیری می کنند. همه شاخص ها نمی توانند در بالاترین سطح اندازه گیری شوند. البته واقع بینانه هم نیست که انتظار داشته باشیم تاثیرات عمیق و بلند مدت را در یک پروژه به طور همزمان اندازه گرفت. البته باید به خاطر سپرد که همان گونه که پیش از این اشاره کردیم این شاخص ها از جامعه ای به جامعه دیگر فرق می کند حتی ممکن است از جامعه بزرگ به جامعه کوچک نیز در یک کشور فرق کند.

شاخص ها

توانمندسازی اقتصادی زنان یک مفهوم چند وجهی است و مفهومی تک بعدی نیست. این امکان وجود ندارد که ما به شاخص های جهانی دست پیدا کنیم و برای هر تحقیقی به طور ثابت میزانی ثابت از شاخص ها را تعیین کنیم. اما می توانیم سه مجموعه کلی از شاخص ها را معرفی نماییم که بهتر است چارچوب های نظری مختلف بر روی این سه شاخص استوار گردند :

۱. شاخص های فرایند و نتیجه گیری
 ۲. شاخص های پیشرفت اقتصادی زنان در سطح جامعه
 ۳. شاخص های قدرت و عاملیت زنان در سطح جامعه
- تجربیات نشان دهنده این است که بیشتر تحقیقات و پژوهش ها سعی در رسیدن به موفقیت در امر توانمندسازی اقتصادی زنان و سنجش میزان آن چه در سطح فردی یا خانگی و چه در سطح عمومی و اجتماعی دارند.



نتیجه گیری:

در این پژوهش بیان شد که دسترسی زنان به منابع درآمد به معنای دسترسی کل خانواده به رفاه و سلامتی بیشتر است. مشارکت زنان در جامعه نه تنها جزء حقوق اجتماعی آنان است بلکه روحیه اعتماد به نفس و خودباوری را در آنان افزایش داده و آنان را توانمند بار می آورد. توانمندسازی اقتصادی زنان یکی از اهداف توسعه ملل در هزاره سوم به شمار می آید. زنان به عنوان افرادی از جامعه دارای توانایی هایی هستند که اگر در یک جامعه در پی بهره بردن از توانایی های خویش باشند بستر مناسب برای حضور این قشر در جامعه به وجود می آید. در این پژوهش مفهوم توانمندسازی، توانمندسازی اقتصادی زنان بررسی شدند و سپس نظارت بر توانمندسازی اقتصادی توضیح داده شد. در پایان نیز شاخص های توانمندسازی اقتصادی زنان در دو سطح فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. تحقیقات بیشتری باید در این زمینه انجام شود زیرا مسئله توانمندسازی اقتصادی زنان دارای اهمیت های زیادی است از جمله:

۱. توانمند سازی اقتصادی یکی از مهمترین عرصه ها برای زنان است تا استعداد های بالقوه خویش را به معرض نمایش گذاشته و حقوق خود را نیز گسترش دهند.

۲. از آنجایی که زنان قسمت اعظم جمعیت فقیر دنیا را تشکیل می دهند، به منظور کاهش فقر لازم است بر زنان و توانمند سازی اقتصادی آنان نظارت شود.

۳. تبعیض بر علیه زنان از جنبه های اقتصادی مضر است. زمانی که یکی از اعضای جامعه نتواند استعداد بالقوه خویش را به فعل تبدیل کند یا در عرصه رقابت برابر شرکت کند، اقتصاد ملی ضربه خواهد خورد.

۴. فرصت برابر برای زنان در نهایت منجر به افزایش فروش و رونق کسب و کار خواهد شد. کار با زنان حس خوبی را ایجاد خواهد کرد.

۵. زنانی که از نظر اقتصادی توانمند هستند به خانواده، جامعه و اقتصاد ملی کمک بیشتری را عرضه می دارند. تحقیقان نشان داده که زنان سرمایه اضافه را برای فرزندان شان پس انداز می نمایند که این رشد مداوم را در پی دارد.

تحقیقات بیشتری باید در زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان انجام شوند تا به پرسش هایی همچون دو پرسش زیر پاسخ های دقیق تری داده شود:

۱. تعریف توانمندسازی اقتصادی زنان چیست؟ توانمند سازی اقتصادی زنان شامل چه مفاهیمی می شود؟

۲. میزان توانمندسازی اقتصادی زنان چگونه قابل محاسبه است؟ سازمان هایی که با توانمندسازی اقتصادی زنان درگیر هستند چگونه می توانند به این مسئله پی برند که در مسیر درست در حرکتند یا خیر؟

یافتن پاسخ های مناسب برای دو پرسش نام برده کمک شایانی در توانمندسازی اقتصادی زنان ایفا می کند.

پیشنهادات برای تحقیقات آینده:

الف- برای تحقیقات آینده پیشنهاد می شود بیشتر به مفهوم توانمندسازی و توانمندسازی اقتصادی زنان پرداخته شود



تا مسائل مربوط به آن بیشتر شناخته شود.

ب- توانمندسازی اقتصادی زنان همان گونه که ثابت شده علاوه بر اینکه تاکید بر روی حق و حقوق زنان دارد به بازگشت سرمایه به داخل کشور نیز کمک شایانی می کند. تحقیقاتی در این زمینه انجام شده اما این تحقیقات کافی نیستند و باید تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود تا بتوان به یک چارچوب نظری جامع برای توانمندسازی اقتصادی زنان در سطح جامعه کشورمان دست یافت.

پ- لازم است تحقیقات بیشتری پیرامون توانمندسازی اقتصادی زنان انجام گیرد تا شاخص های بیشتری شناخته شوند. همان گونه که اشاره داشتیم این شاخص ها در سطح هر جامعه با جامعه دیگر فرق می کند حتی این احتمال وجود دارد که این شاخص ها در سطح جامعه کشورمان در میان شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک به دلیل تفاوت در الگو و ساختارهای اجتماعی تفاوت شایانی وجود داشته باشد که این مسئله برای پی بردن و کشف این تفاوتها نیاز به بررسی و تحقیق و تفحص بیشتر دارد.

منابع

۱. آندره، میشل، ۱۳۷۶، پیکار با تبعیض جنسیتی، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه
۲. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، ۱۳۹۰، جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان
۳. اسمیت، دنیس، ۱۳۷۷، تاریخ اقتصادی ژاپن، تهران، انتشارات اطلاعات
۴. تودارو، مایکل، ۱۳۸۲، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامرضا فرجادی، چاپ دهم، تهران، انتشارات روشنگران
۵. جاراللهی، عذرا، ۱۳۷۹، تاریخچه اشتغال زن در ایران، فصل نامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳ و ۴
۶. حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۷۴، مجموعه قوانین اساسی - مدنی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش
۷. خانی، فضیله، ۱۳۷۵، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی مطالعه موردی در استان گیلان، رساله دکترای جغرافیای روستا و توسعه، دانشگاه تربیت مدرس
۸. رحمانی، فریده، سمپوزیوم لاهه: متن توسعه و حفاظت از محیط زیست در سال ۱۹۹۱، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷۲، شماره ۶۹ و ۷۰
۹. رهنما، مجید، ۱۳۷۷، مشارکت در کتاب نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز
۱۰. سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷، جامعه شناسی اشتغال زنان، چاپ اول، انتشارات تبیان
۱۱. سگالن، مارتین، ۱۳۷۴، جامعه شناسی تاریخی خانواده
۱۲. صفری شالی، رضا، ۱۳۷۸، تاثیر مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی
۱۳. صفری شالی، رضا، نگرش سیستمی بر خرده فرهنگ روستاییان، فصل نامه جنگل و مرتع، شماره چهل و دو، بهار ۱۳۷۸
۱۴. طوسی، محمدعلی، ۱۳۷۰، مشارکت در مدیریت و مالکیت، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی